

جسارت مؤمنانه یا خدای آزاردهنده؟



حمید حسینی

استادیار گروه فلسفه و کلام
اسلامی، دانشگاه شهید مدنی
آذربایجان

وقتی سخن از «الهیات اعتراض» به میان می‌آید، دست‌کم دو معنا برای آن می‌توان یافت: نخست اینکه مراد گوینده پرداختن به «اعتراض» از منظر الهیات باشد؛ و مراد از اعتراض و معترض عنه هم معنا و مصداق معمول آن است: اعتراض انسان‌ها به یکدیگر. نمونه‌ای از این معنا را می‌توان در مقالهٔ ۱۹۶۹ پیتریگا تحت عنوان «به سوی یک الهیات اعتراض» در شمارهٔ ۳۳ مجلهٔ تومیسیت یافت. وی می‌گوید: «کشمکشی که در حکومت [خدایوند] میان «آنچه گذشته» و «آنچه هنوز نیامده» برقرار است مسیحیت را در مقابل بت‌پرستی و در قالب همهٔ ساختارها و نهادهای زمانمند سیاسی، اجتماعی یا کلیسایی به دینی ذاتاً معترض مبدل کرده است؛ کلمهٔ الله سرمدی است، ناظرو حاکم بر هر بیان و ظهور بشری است، دقیقاً به این دلیل که انسان همواره به لحاظ مابعدالطبیعی ناکامل، متناهی و محدود به تجربه‌ای خاص در هر زمان خاصی در تاریخ است». این فرض الهیاتی که حکومت‌های بشری تا زمان برقراری کامل حکومت الهی در زمین دچار نقص‌اند مسیحیان را مجاز و حتی ملزم می‌سازد که نسبت به این نقایص معترض باشند. وی معتقد است که مسیحیت ذاتاً یک دین اعتراضی است اما به شیوه‌ای مطلقاً مسالمت‌آمیز. تنش میان برقراری ناکامل حکومت خدا در زمان کنونی و حکومت کامل و نهایی او در آینده موجب می‌شود که اعتراض مداومی علیه خود خواهی، خودپرستی، نفرت و لوازم آن‌ها، مثل ملی‌گرایی، نژادپرستی، نظامی‌گری و فقر جهانی، وجود داشته باشد. این معنای الهیات اعتراض را عمدتاً در سنت مسیحی می‌توان یافت و، همچنان که از سخنان ریگا مشخص است، فرد مورد اعتراض در آن فرد یا مجموعه‌ای از افرادند که در تعارض با حکومت نهایی و کامل

مسیح قرار می‌گیرند.

معنای دوم الهیات اعتراض، که عمدتاً در سنت یهودی مطرح شده، کمی عجیب و غیرمنتظره است. در اینجا معترض عنه خود خدا است و معترضین قوم یهود هستند. این معنا را می‌توان در آرای الهی دانان یهودی نظیر داو و ایس در کتاب جسارت مؤمنان: مواجهه با خدا در یهودیت ربانی^۱ و دیوید بلومناتل در کتاب مواجهه با خدای آزاردهنده: یک الهیات اعتراض^۲ یافت. جسارت مؤمنان به تشریح سنت‌های ربانی کلاسیکی می‌پردازد که اعتراض به افعال خدا را مجاز می‌شمارند، و نیز سنت‌های ضداعتراض که مخالف انتقاد از خدا هستند. و ایس، با تنظیم مطالب طبق تقدم و تأخر تاریخی، پیدایش این دو سنت را تحلیل می‌کند. در مقابل، بلومناتل در مواجهه با خدای آزاردهنده رویکردی متن‌محور و تفسیری و به دور از استناداردهای کلام عقلی برای ارائهٔ یک تئودیسۀ اعتراضی پیش می‌گیرد. در این نوشتار به بررسی محتوای این دو اثر و انتقادات وارد بر آن‌ها می‌پردازیم. کتاب و ایس سال ۲۰۱۶ و سال‌ها پس از جنجال‌های الهیات اعتراض و ادبیات مربوط به آن منتشر شد. از این رو، او فرصت داشت تا موضوع را فارغ از هیاهوها بررسی تاریخی کند. این اثر عمدتاً در پاسخ به این پرسش است که سنت اعتراضی یهودی چه میزان وسعت و عمق داشته است؟ در مقدمهٔ کتاب، و ایس موضوع اصلی کتاب را خلاصه می‌کند و در چند نقطه تمام فعل‌ها و اسم‌هایی را ذکر می‌کند که برای اعتراض در منابع عبری ربانی به کار رفته است. وی همچنین اعتراضات در متون مقدس را برمی‌شمارد و آن را با عبارت یونانی صراحتاً لهجه (parrhesia) مقایسه می‌کند. نهایتاً و ایس منابع دورهٔ تنائی، دورهٔ آموراوی،

دورهٔ مابعدآموراوی و حتی منابع متأخر را با یکدیگر مقایسه می‌کند، چرا که از نظر او با گذشت زمان دیدگاه ربانی در باب اعتراض تغییر کرده است.

و ایس در فصل نخست سنت ضداعتراضی را ریشه‌یابی می‌کند. او تأکید می‌کند که در دورهٔ تنائی این سنت قوی‌تر از هر زمان دیگر بوده است. برخی از خاخام‌ها در این دوره مخالف هرگونه اعتراض به خدا بوده و آن را ممنوع کرده بودند؛ آنان تلاش زیادی برای مجازات افراد معترض کردند و کوشیدند مصادیق اعتراض در متون مقدس یهود را تحت عنوان «عبادت» تفسیر و تأویل کنند و نه اعتراض محض. در فصل دوم، و ایس گسترش سنت اعتراضی را عمدتاً در دورهٔ آموراوی ریشه‌یابی می‌کند. وی فهرستی از اقدامات ناعادلانهٔ خدا را در کتاب مقدس -از کشتار جمعی با سیل گرفته، تاجربابل، سدوم، نابینایی اسحاق، تا تبعید موسی از سرزمین مقدس- ذکر می‌کند که هر یک می‌توانند بستری برای اعتراض توسط یکی از شخصیت‌های داستان‌های کتاب مقدس فراهم سازند. سپس نصوصی را ذکر می‌کند که اعتراضاتی از زبان قهرمانان کتاب مقدس‌اند، مثل اظهارات موسی پس از واقعهٔ سامری و موارد دیگر.

در فصل سوم، و ایس به سنت اعتراضی در منابع مابعدآموراوی پرداخته است. وی فهرستی از انواع اعتراضات که حتی در این منابع پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی بوده‌اند ارائه می‌دهد: نیایش که درخواست یا تلاشی برای متقاعد کردن خداست جایز است، اما سخنانی که نسبت به خدا موهن یا عیب‌جویانه باشد جایز نیست؛ اعتراضی که خودخواهانه نباشد جایز است اما اعتراضی که به خاطر خود فرد باشد جایز نیست. همچنین، اعتراضی که از رابطهٔ